دو شنبه 1/2/1404-22شوال 1446- 21 آوریل 2025- درس 130فقه رهبری سازمانی – شرائط و موانع – شوب و اخلاص

مساله120: مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی بایستی به شدت از هر نوع شائبه آلوده کننده نیت در رفتار و گفتار پرهیز کنند و محاسن اخلاق و روابط عمومی را در چهارچوب مکارم اخلاق مراعات نمایند .

***شرح مساله***: معلوم شد که اخلاص سازمان از آن شخص حقوقی و اخلاص نفسانی از آن شخص حقیقی مدیر است مدیر راهبر دراول مخلص باکسر و در دومی مخلص با با فتح لام است یعنی اخلاص یک فرآیند دائمی و تمام نشدنی است مخلص با کسر در دین و برنامه است و مخلص با فتح در خودسازی است وقتی به فتح رسیدیم شیطان با ما حریف نیست ولی ووقتی در کسر هستیم در خطر عظیم هستیم ودر فتح در خلق عظیم کما مر فی اخبار الباب . اما خطر شوب[[1]](#footnote-1) در طول مسیر خلوص مدیر را تهدید میکند که باید نه تنها این تهدید را رفع کند بلکه به فرصت تبدیل نماید . شوب به معنی خلط و آلودگی در نیت ،هدف و عمل است که از درجه اخلاص میکاهد در خبر نبوی از خطر عظیمی که مخلصون با کسر با آن درگیرند یاد میکند :" المخلصون فی خطر عظیم "او " علی خطر" این همان خطر شوب است که توسط شیطان بر اخلاص پاشیده میشود تا آن را از حیّز انتفاع می اندازد . خلط میکند رضای خدا و غیر خدا را. شوب یک بار در قرآن آمده است که به معنای نوشیدنی آلوده و مخلوط به چرک است :" الصافات : 67 ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْها لَشَوْباً مِنْ حَميمٍ آن گاه به ناچار روى آن [به عنوان نوشيدنى‏] مخلوطى از آب بسيار داغ و متعفّن براى آنان خواهد بود. استظهار میشود که طوبی نماد اخلاص و زقوم نماد شوب است که درجه طیب طوبای اخلاص میکاهد و آن را آلوده و خشک میکند و از ثمر دهی باز میدارد فتذبر .یک حدیث نیز موید این مطلب است [[2]](#footnote-2)

 به نمونه هایی از شوب سازمانی و اداری دقت میکنیم :

1. شوب ،شرک خفی است[[3]](#footnote-3)
2. در گزارش ها سعی میکند کار را ابتکار خود بداند تا در دل مخاطبان جا باز کند.
3. وقتی کاررا در خلوت تمهید میکند در ذهن ودلش کسب رضایت مافوق است.پررنگ تر از کسب رضایت از خدا
4. حالاتش در جلسات برای نمایش شخصیت و مدیریت به اصحاب جلسه است
5. خدماتش به جمع آوری رای شبیه است.
6. تسهیل گری هایش برای ارباب رجوع برای این است که از او تعریف و تمجید کنند.
7. سر کشیهایش به اتاق همکاران برای جلب قلوب آنهاست.
8. در امضاهایش رضای خدا را در نظر نمیگیرد .
9. خوشروییها و خوش گوییها یش برای ارتقاء شغلی است.
10. رفت و آمد منظمش القاء نظم در دیگران برای الگو شدن است.
11. دوست دارد دیده شود .
12. کار رسانه ای اش برای ارائه خود است تا خدا.
13. رضایت مخلوق را با سخط خالق معامله میکند و سود آور تر میداند .
14. انزوا و اعتزالش هم برای جلب توجه بیش تر است.
15. ....

البته روابط عمومی در مدیریت حرف اول را میزند و جزء محاسن اخلاق است و لی اگر مشوب شود به رضایت غیر خدا مستقلا ،آثار سوء و معکوسی دارد بر خلاف توقع . مدیر باید دنبال مکارم اخلاق باشد که تزین به جنود عقل است که عمده اش خود را لحاظ نکردن در امور است کاری سخت ولی ممکن از جنس جهاد اکبر . آنگاه است که ضریب انگیزش به شدت بالا خواهد رفت .

 تفقه : شوب حرام است وباطل تکلیفا و وعا کما مر زیا منافع محتمله آن در مقابل مضار محتمله آن اندک و زود گذر است منافع اخلاص باقی و ماندگار و آینده ساز تر است با اصول مدیریت آینده بیش تر سازگار است لذا عقل حکم به تجنید و تجهیز رفتار به اخلاص و اجتناب از شوب میکند .اخبار باب ریا وسمعه مستفیض است از مضرات شوب نیت و عمل فراجع .بحث شوب ادامه دارد .

فتحصل : مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی بایستی به شدت از هر نوع شائبه آلوده کننده نیت در رفتار و گفتار پرهیز کنند و محاسن اخلاق و روابط عمومی را در چهارچوب مکارم اخلاق مراعات نمایند .

1. [↑](#footnote-ref-1)
2. **الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏1 ؛ ص428** - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ- كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ‏ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَصْلُهَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَرْعُهَا وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا أَغْصَانُهَا وَ عِلْمُ الْأَئِمَّةِ ثَمَرَتُهَا وَ شِيعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَرَقُهَا هَلْ فِيهَا فَضْلٌ‏ قَالَ قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ قَالَ وَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُولَدُ فَتُورَقُ وَرَقَةٌ فِيهَا وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ وَرَقَةٌ مِنْهَا. 1في بعض النسخ [فصل‏] و في بعضها [شوب‏]. كافي (ط - دار الحديث) / ج‏2 / 404 / 108 - باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ..... ص : 362

(4). أي هل في الشجرة أمر زائد على ما ذكرت من الأصل و الفرع و الثمرة و الورق؟ و في «ب، ض، بس» و حاشية «بح، بر، بس»: «شوب‏» فيكون المراد: هل فيها شوب‏ خطأ و بطلان. و في البصائر، ص 59، ح 4: «هل ترى فيها فضلًا يا أبا جعفر» بدل «هل فيها فضل»

كافي (ط - دار الحديث) / ج‏10 / 15 / 54 - باب آداب التجارة ..... ص : 15

(17). في «ط» و التهذيب: «بالصدقة». و في الفقيه، ح 3731: «صونوا أموالكم بالصدقة» بدل «شوبوا أيمانكم بالصدق». و في الوافي: «الشوب‏: الخلط، و أيمانكم بفتح الهمزة، و يحتمل الكسر. و في الفقيه: شوبوا أموالكم بالصدقة، و هو أظهر». و في المرآة: «قوله عليه السلام: شوبوا، أي لا تحلفوا كاذبين». و في هامش المطبوع: «شوبوا أيمانكم، ادفعوها عن أنفسكم بسبب الصدق؛ فإنّ الصادق لا يحتاج إلى اليمين و يصدّقه الناس و يسمعون كلامه بخلاف الكاذب؛ فإنّه حلّاف مهين».

 كافي (ط - دار الحديث) / ج‏1 / 47 / [1] كتاب العقل و الجهل ..... ص : 23

(4). في العلل: «الشرك». و «الشَوب‏» و «الشياب»: الخَلط. لسان العرب، ج 1، ص 510 (شوب‏).

 . في« [↑](#footnote-ref-2)
3. كافي (ط - دار الحديث) / ج‏1 / 47 / [1] كتاب العقل و الجهل ..... ص : 23

(4). في العلل: «الشرك». و «الشَوب‏» و «الشياب»: الخَلط. لسان العرب، ج 1، ص 510 (شوب‏). [↑](#footnote-ref-3)